

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۲ - چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۲۲ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

برنامه حزب را بیا موزیم

استقلال ملی

بخشی از برنامه حزب توده ایران، که در هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به تصویب رسید، به «استقلال ملی» اختصاص یافته است. ما خواهیم کوشید، در حدودی که در یک مقاله می‌گنجد، به برخی جوانب مقوله «استقلال ملی» بپردازیم، تا مضمون مواد برنامه حزب در مورد «استقلال ملی» بهتر و ژرف‌تر معلوم گردد.

صفحه ۲

استقلال جنبش سندیکائی

کارگران و زحمتکشان و سیاست‌های تخریبی ضد کارگری

خوانندگان «نامه مردم»، در شماره دیروز روزنامه ما، پامتن اطلاعیه «انجمن همبستگی سندیکایا و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه» آشنا شدند. چنانکه از متن این اطلاعیه برمی‌آید، دفتر این «انجمن» نه یک سازمان مستقل صنفی کارگری است، و وابسته به هیچ حزب و سازمانی نیست، از جانب عناصر مشکوک مورد حمله قرار گرفته و خسارات زیادی به آن وارد آمده است.

در اطلاعیه «انجمن همبستگی» در اطلاعیه خود، ضمن جلب نظر مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نسبت به نقض قوانین مملکت، و اعلام اینکه احتمال بروز مجدد چنین حوادثی هنوز هم وجود دارد، پدروستی سؤال میکند که:

برهم‌زدن آرامش محل انجمن بسود چه کسانی است؟ چگونه است که عناصر ضدانقلاب آزادانه می‌توانند به خانه کارگران هجوم آورند؟ مسئولیت جلوگیری از این حوادث، آنهم در سالی که به فرمان امام خمینی «سال قانون» باید باشد، با کیست؟

بنظر ما، طرح همه این سئوالها منطقی است. انجمنی که با تلاش پیکر و خستگی‌ناپذیر سندیکایا و شوراهای کارگری و پیش‌کسوتان مبارز و آگاه جنبش سندیکائی بوجود آمده، و طی دوسالی که از آغاز فعالیت آن می‌گذرد، بعنوان یک سازمان مستقل صنفی کارگری شناخته شده، بجهت دلیل باید مورد حمله و هجوم قرار گیرد؟ این چه نیروهائی هستند، که با هجوم به خانه کارگران، سعی در پراکنده ساختن انجمنی دارند که همه حرکت‌های آن منطبق با خواست‌های انقلاب عظیم و شکوهمند مردم ایران و کارگران و زحمتکشان کشور ماست؟ پاسخ سئوالاتی که «انجمن همبستگی» مطرح میکند، چندجانبه است:

شبهه نیست که «انجمن همبستگی» کارگران و زحمتکشان، در درجه اول مورد حمله و تجاوز نیروهای ضدانقلابی و بازماندگان رژیم طاغوتی گذشته است. این نیروها می‌دانند که «انجمن همبستگی» کارگران و زحمتکشان، بعنوان یک سازمان مستقل صنفی کارگری، میتواند نقش مهمی در تجمع و تشکل کارگران و زحمتکشان ایفا کند و در تجهیز کارگران و زحمتکشان ایران در دفاع از انقلاب و خنثی‌ساختن توطئه‌های امپریالیستی و ضدانقلابی نقش مهمی بعهده گیرد. بدینسان، حمله ضدانقلاب و عوامل وابسته به آن به «انجمن» بقیه در صفحه ۲

اسناد سوری رژیم جنایتکار صدام حسین دستوری دهند:

کردهای ایران را تحریک کنید! کردهای عراق را تعقیب کنید!

و اینک رهنمودهای رژیم صدام حسین:

متن سند (۱)

وزارت خارجه دفتر مخصوص بخش هماهنگی شماره ش ۱۱۵۶۰ تاریخ: ۱۹۷۹/۹/۱۱ سری و فوری به سفارت جمهوری عراق - بخش هماهنگی موضوع - کردهای ایران خواهشمند است دستور ذیل عمل کنید:

بقیه در صفحه ۲

مطالعه این اسناد بویژه از یک نظر بسیار جالب است و آن اینکه، برخی گروهکهای چپ‌رو و چپ‌نما، که رژیم صدام حسین را با خشم و کین مورد حمله قرار میدهند، عینا مانند کارکنان سفارتخانه‌های عراق، عمل می‌کنند. آنها تحریکات و ابستگان به رژیم صدام حسین، چون باند قاسملو را به خلق کرد نسبت می‌دهند و تلاش می‌کنند تا بیش از پیش خلق کرد را به چاه توطئه صدام حسین و «ناتو» بکشانند و آنرا در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

روزنامه «طریق الشعب»، ارگان مخفی حزب کمونیست عراق، در شماره ۵ سال ۱۹۸۱ خود، برخی از اسناد سری دولت عراق را کلیشه کرده است. یکی از این اسناد به شماره ش ۱۱۵۶۰، دستورالعمل وزارت امور خارجه عراق به کلیه سفارتخانه‌های این کشور است که طبق آن عوامل صدام حسین موظف میشوند «با تمام قوا از کردهای ایران علیه رژیم خینی‌پشتیبانی کنند!» آنها را تحریک نمایند و بالعکس، طبق رهنمودهای دیگر، «کردهای عراق را تحت تعقیب قرار دهند»

...

درباره دشمنانها و افتراهای «مجاهد» به حزب توده ایران

سند افشاگر ضد انقلاب - دستاویزی برای فحاشی به حزب توده ایران

مورد تحسین بلندگوهای ضد - انقلابی اویسی و بختیار و امثال آنها قرار دارد و چه میکند که با تشویق آنها مواجه است؟ چاره‌گیری «مجاهدین خلق» در مورد محاکمه امیر انتظام سکوت کرده است و دم بر نمی‌آورد؟ رابطه رهبری «مجاهدین خلق»

سکوت کرده است؟ چرا رهبری «مجاهدین خلق» امپریالیسم آمریکا و توطئه‌ها و تحریکات آنرا علیه انقلاب ایران به فراموشی سپرده است و غلبه لیبرالیسم یا جاده‌صاف‌کن امپریالیسم، سخنی نمیکوید؟ چرا رهبری «مجاهدین خلق»

«افشاری پرمواضع نادرست، به انحطاط اخلاقی منتهی شده». این حکمی است که نشریه «مجاهد» بارضوح تمام آنرا به اثبات میرساند. رهبری «مجاهدین خلق»، که درقبال سئوالات منطقی و مستدل حزب توده ایران در مورد مشی و سیاست نادرست و زیانبار خود، پاسخی ندارد، برای دفاع از این مواضع - که قابل دفاع نیستند - و گریز از پاسخگویی، رگبار دشنام و افترا را بر حزب توده ایران گشوده و تمام‌مرزهای اخلاق انقلابی و اخلاق مطبوعاتی را درنوردیده است.

حزب توده ایران براساس واقعیات و موضع‌گیریهای رهبری «مجاهدین خلق» از رهبری «مجاهدین خلق» پرسیده بود: «جبهه متحد انقلابی» از نظر شما از چه نیروهائی متشکل شده است و متحدین شما برای دستیابی به اهداف موردنظرتان کیستند؟ چاره‌گیری «مجاهدین خلق» در مورد مساله اساسی ۱۸ میلیون دهقان، یعنی اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و خواست دهمی ۱۸ میلیون ایرانی محروم، یعنی اجرای اصل قانون اساسی در مورد دولتی کردن بازرگانی خارجی،

در اثر آتش رزمندگان جمهوری اسلامی ایران:

۲ پادگان ارتش صدام در خاک عراق به آتش کشیده شد

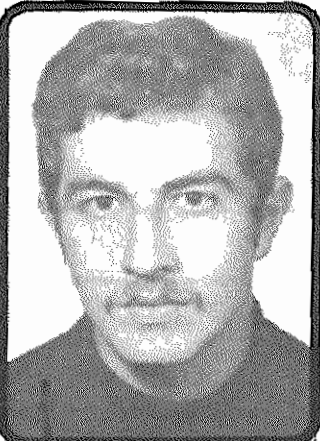
در ادامه نبرد دلاورانه رزمندگان جمهوری اسلامی ایران، بخش دیگری از مواضع دشمن در جبهه‌های غرب و جنوب کشور منهدم شد. و یک پادگان ارتش صدام نیز به محاصره رزمندگان جمهوری اسلامی ایران درآمد.

به موجب اطلاعیه ۵۱۳ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در منطقه آبادان دلاوران نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اجرای آتش روی مواضع دشمن، ۳ تانک، ۳ خودرو، یک بولدوزر، یک انبار مهمات و چندین سنگر گروهی ارتش صدام را منهدم کردند و در عملیات شجاعانه خود در ۲ جبهه این منطقه ۱۳۰ تن از نفرات دشمن را به هلاکت رساندند.

براساس این گزارش، در منطقه اهواز هلیکوپترهای هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) با گشودن آتش شدید روی نفرات دشمن، در صفحه ۲

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

رفیق شهید، توده‌ای قهرمان، حمید رضامبرز، جان شیفته خود را نثار انقلاب کرد



توده‌ای قهرمان، رفیق شهید حمیدرضا مبرز، بر اثر ترکتی خیاباره دشمن به قافله‌ای پیوست که ۴۰ سال است از میان آتش و خون می‌گذرد و سرود رهائی زحمتکشان را با هزاران گلوی خونین می‌خواند.

رفیق حمیدرضا مبرز، درسال ۱۳۳۴ بدینا آمد. او که یکی از خیل عظیم توده‌های تحت‌ستم بود، در رزم با استقامت و خفقان بالید. هنگامی که جهان را شناخت و به ریشه‌های رنجی که به خلق می‌رفت، آگاه شد، دیگر شعله‌های ایران پیوسته است.

اکنون به خیل شهدای انقلاب ایران پیوسته است.

«دلیم می‌خواهد باشم با دلم نمونه‌ای دیگر از صداقت، عزم و عشق توده‌ایما به انقلاب، مردم و میهنم باشم».

آن جان عاشق، که این سخنان را فریاد میکرد، اکنون همراه قافله شهیدان توده‌ای در راه فتح تاریخ است. رفیق قهرمانی که تنها دارائی خود، جان شیفته‌اش را، در جنگ گرفته بود، تا نثار انقلاب کند،

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

توطئه ضد انقلابی سرقت اسناد دولتی را کاملاً خنثی کنید

دادستان انقلاب مرکز ماموران خود را برای حراست از اسناد بانک مرکزی به این بانک فرستاده است. طبق اطلاعیه دادستانی انقلاب، بعد از اینکه نیمه شب دوشنبه ۴ خرداد، به دادستانی انقلاب درباره نسخه برداری و نقل انتقال اسناد بانک مرکزی گزارش داده شد، ماموران دادستانی برای مراقبت از اسناد به بانک مرکزی فرستاده شدند.

و همین حال روابط عمومی داد برای انقلاب اسلامی مرکز، با انتشار اطلاعیه دیگری، اعلام کرد که دو متهم دستگیر شده در ارتباط با سرقت اسناد وزارت خارجه اعتراف کرده اند که ۸۷۲ رگ مدارک مهم و سری را از وزارت خارجه بیرون برده و به محل دفتر ریاست جمهوری منتقل کرده اند. طبق همین اطلاعیه متهمین اعتراف کرده اند که:

«تاکتورن به A وزارت خارجه ارگان دیگر از جمله دانشگاهها، وزارت کشور، وزارت کشاورزی، شهرداری و غیره... جهت دریافت مدارک مراجعه نموده و بدون داشتن حکم خروج اسناد، مقادیر مهمی را مدرک و سند و فتوکپی پرونده اشخاص را بیه دفتر ریاست جمهوری برده اند. (کیهان - ۵ خرداد ۱۳۶۰)

اخبار بالا، که رسماً از جانب دادستانی انقلاب اعلام شده، نشان میدهد که سرقت اسناد از وزارت خارجه در باق بخشی از یک توطئه بزرگ برای خارج کردن اسناد دولتی از تمام وزارتخانه ها و ادارات دولتی بوده است.

در این زمینه از جمله آقای عطاءالله مهاجرانی نماینده مجلس گفته است:

«یک جبهه ناهمگون، ولی هماهنگ، حرکت سیاسی حساب شده را شروع کرده است.» (کیهان - ۴ خرداد ۶۰) و: «سرقت اسناد محرمانه وزارت خارجه گرچه می تواند اهداف متفاوتی داشته باشد، اما مهمترین آن از بین بردن نقاط تیره و تاریک و مخدوش کارنامه سیاسی عناصر جبهه متحد فوق می باشد.» (همانجا)

مایه خوشوقتی است که توطئه ای چنین گسترده، که هنوز هم ابعاد واقعی آن افشاء نشده، کشف شده است. از آنجا که خارج کننده اسناد از وزارت خارجه، بر طبق

تازه های روز

مشتی از خروار سرمایه داران غارتگر

به گزارش روزنامه «جمهوری اسلامی» (۵ خرداد ۱۳۶۰) شمیه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز محاکمه دو سرمایه دار غارتگر را پایان داد و وارد شور شد. این دو سرمایه دار محمدحسین و مرتضی شکرچیان نام دارند و به همراه برادر دیگرشان رضا، که به نوشته همین روزنامه «قبل از انقلاب به آمریکا، موطن اصلی خود عزیمت کرده»، سالیان دراز به غارت کارگران کارخانه قرقره زینا «اشتغال» داشته اند. برخی از اتهامات این سرمایه داران بقرار زیرین است:

- ۱- سربردگی کامل و وابستگی به رژیم منور پهلوی،
- ۲- ارتباط نزدیک با عوامل صهیونیست،
- ۳- استثمار کارگران و رواداشتن ظلم و ستم در حق آنها،
- ۴- همکاری و ارتباط با ساواک منحل و سرکوب کارگران،
- ۵- چپاول سرمایه های مملکت و بدهکاریهای کلان به بانکها و سازمان بیمه اجتماعی.

بعلاوه، در جلسات دادگاه مطرح شد که «قبل از انقلاب هرگاه فرد کارگر سخن از حق و احقاق حقوق به میان می آورد، مسئولین کارخانه او را به ساواک تحویل می دادند. بدین ترتیب گروه کثیری از کارخانه اخراج شدند» و بعلاوه اینک حق بیمه کارگران ۵ سال تمام پرداخت نشده، «کارگرانی هستند که با وجود کمسولت سن فقط بعلاوه

انتخاب درست ریگان!

روزنامه واشنگتن پست در شماره اخیر خود، بناچار سیمای واقعی زمامداران آمریکایا را در یک نشان داده است. به نوشته این روزنامه، لئی ورد، معاون وزارت خارجه در «حقوق بشر»، که توسط هفت تیرکش جدید کاخ سفید منصوب شده: «بخاطر اتهامات گذشته اش در مورد رشوه خواری و تپانی با شرکت های بزرگ تولید شیر خشک و فروشی اجناس نامرغوب و غیربهداشتی به کشورهای جهان سوم مورد انتقاد قرار دارد.» (کیهان - ۴ خرداد ۱۳۶۰).

اطلاعیه دادستانی، «بعده ای دیگر همکاری میکرده است»، باید هرچه سریعتر و با پیگیری و قاطعیت رشته های بدست آمده را دنبال و با یافتن این «همکاران» توطئه را بکلی خنثی کرد. انبهای

از روزنامه ها چاپ شده است، مبنی بر اینکه دکتر جعفر ندیم عضو حزب توده ایران است. بدینوسیله اعلام می داریم که دکتر جعفر ندیم هیچگاه عضو حزب توده ایران نبوده و هیچگونه پیوندی با حزب توده ایران نداشته و ندارد.

اسناد سری...

بقیه از صفحه ۱

۱- کردهای مقیم محل ماموریت خود را برای ارسال تلگرافهای جلب توجه و کمک به روسای عرب و بیگانه و سازمانهای مردمی عربی و منطقه ای و بین المللی، جهت توضیح ترور و اختناقیه رژیم خمینی علیه کردهای ایران اعمال میکنند، تشویق کنید.

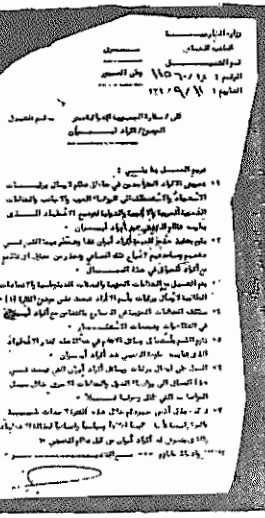
۲- این موضوع فقط در مورد کردهای ایران است و وظیفه بخشی تنها منحصر به تشویق آنها و کمک به آنها برای انجام این کار است. از برقراری هرگونه تماس در این زمینه با کردهای عراق احتراز کنید.

۳- با سازمانهای حزبی و هیات های سیاسی و اتحادیه های دانشجویی برای ارسال تلگراف بنام خود اگر در مورد موضوع

۴- برای رساندن تلگرافها و نامه های کردهای ایران به روسای دولتها و سازمانها، از راههای ارتباطی که وصول آنها را تضمین نماید، اقدام کنید.

۷- نهایت کوششی و مساعی خود را در این برهه، برای ایجاد یک اعتراض گسترده تبلیغاتی، سیاسی و انسانی در سطح جهان در مورد ترور و اختناقیه از طرف رژیم خمینی علیه کردهای ایران اعمال میشود، میبذول دارید.

جهت اطلاع و اقدام لازم... با تشکر.



نه، این قافله را...

انقلاب سراسر مبین ما را در می نوردد. رفیق حمید اخگر جانش را به شعله عظیم انقلاب پیوند زد و سنگر به سنگر، تا سرنگونی رژیم شاه جلا داد، رژیم در همین رزم سترگ بود که با مشی انقلابی حزب توده ایران آشنا شد و به توده ایها پیوست با تشکیل سازمان حزب توده ایران در ساری، رفیق شهید به عضویت حزب در آمد. تا پیش از تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران انقلابی، رفیق حمید با تمام نیرو و با عشق شگفت، به بردن آرمان حزب به میان توده ها می پرداخت. با یورش تجاوزگران صدامی و فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق حمید، چون دیگر توده ای ها، آماده شد تا برای دفاع از میهن انقلابی جان خود را نثار کند. رفیق شهید، که منقشی خدمت سال ۱۳۵۷ بود، در تهران، بابل، ساری، قائم شهر و آمل، با مراجعه به مراکز انعام داوطلبین و ثبت نام، تقاضای اعزام به جبهه را کرد. امکان رفتن او به جبهه وقتی فراهم شد که از منقشی خدمت های سالهای ۵۴، ۵۵ و ۵۷ خواسته شد که بطور داوطلبانه به جبهه برود. رفیق حمید لحظه ای درنگ نکرد. او آقدر برای رفتن به جبهه شور

۲ پادگان...

۳ خرداد ۱۳۶۰ نیروهای رزمنده ما در منطقه مریوان ضایعات و خسارات عمده ای به مواضع دشمن در خاک عراق وارد آوردند. در این منطقه با آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران قسمت اعظم پادگان سید صادق در عمق ۱۷ کیلومتری خاک دشمن به آتش کشیده شد. در

بند (۱) هماهنگی کنید. سازمانهای حزبی در خارج مکلفند با اگر اداریان در تظاهرات و گردهم آییها جهت ابراز تضرع (از رژیم خمینی)، هماهنگی کنند. هم بخشی، برای استفاده از وسائل تبلیغاتی موجود در منطقه کار خود، جهت پخش اخبار ترور و اختناقیه حکومت خمینی علیه کردهای ایران معمول میدارد، اقدام کند.

۶- برای رساندن تلگرافها و نامه های کردهای ایران به روسای دولتها و سازمانها، از راههای ارتباطی که وصول آنها را تضمین نماید، اقدام کنید.

۷- نهایت کوششی و مساعی خود را در این برهه، برای ایجاد یک اعتراض گسترده تبلیغاتی، سیاسی و انسانی در سطح جهان در مورد ترور و اختناقیه از طرف رژیم خمینی علیه کردهای ایران اعمال میشود، میبذول دارید.

جهت اطلاع و اقدام لازم... با تشکر.

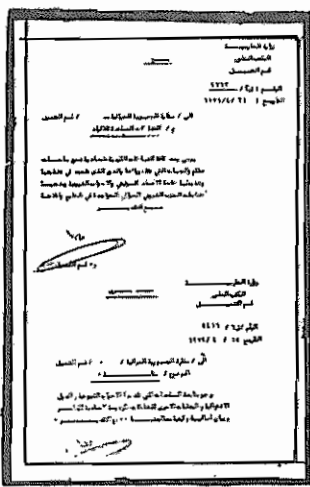
هفتین بیست (۲)

وزارت خارجه دفتر مخصوص بخش هماهنگی - شماره ق ۱۶۱۶۴-۴ تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۶۰ - ساری سفارت جمهوری عراق - بخش هماهنگی موضوع: پیگیری خواهشمند است کمکهای را که احزاب کمونیست و دولتهای سوسیالیستی و سازمانهای دیگر به فعالیت کردهای مخالف کشور می کنند، پیگیری کنید و روش

و شوق داشت که وقتی مدتی در پادگان ماند، با داره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش مراجعه کرد خواستار آن شد که هر چه زودتر به خط مقدم جبهه فرستاده شود. دو هفته قبل از شهادت، رفیق حمید، که برای مرخصی کوتاه مدتی به ساری برگشته بود، در عروسی برادرش به یکی از رفقای توده ای منقشی ۵۶، که بعد از پایان خدمت، تازه از جبهه برگشته بود، گفت:

«تو رفیق و سالم برگشتی. ما توده ای ها بساری پیروزی می جنگیم و در این راه حاضریم جان خود را هم بدهیم. اگر در راه نبرد برای پیروزی انقلاب و دفاع از میهن شهید بشویم، این هم برای ما پیروزی است. اما من دلم میخواهد شهید بشوم و عکس را بر تمام دیوارهای خیابانها و کوچه های ساری بچسبانم، تا گواه کوچکی باشد بر این که توده ایها داوطلبانه به خط مقدم جبهه می شتابند و جان خود را نثار انقلاب می کنند. دلم میخواهد با شهادتم نمونه ای دیگر از صداقت، عزم و عشق توده ایها به انقلاب، مردم و میهن باشم.» سرانجام روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، ترکن خمیاره دشمن، این جان عاشق را در سنگرهای مقدم جبهه به شهادت رساند. مراسم تشییع جنازه رفیق شهید

همین منطقه پادگان بانی بونوک در فاصله ۴ کیلومتری مریوان در خاک عراق، بسا آتش سلاحهای سنگین ما بکلی نابود شد و کلیه تاسیسات این پادگان به کلی از بین رفت. بر اساس آخرین گزارش، این منطقه، هم اکنون در محاصره رزمندگان سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.



و چگونگی برخورد با آن را بیان نماید... با تشکر. ر. بخش هماهنگی هفتین بیست (۳) شماره ق ۲۶۲۲۲-۴ تاریخ: ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ ساری سفارت جمهوری عراق - بخش هماهنگی اقدامات کمک رسانی به کردها خواهشمند است تمام اقدامات ضد دولتی کردها را در محل ماموریت خود و نیز نیروهای را که در پشت سر آنها ایستاده اند و نقش را که در تقدیر و تحریک آنها ایفا می کنند پیوسته اتحاد شوروی و احزاب کمونیستی و سازمانهای حزب کمونیست عراق در خارج کشور - را بررسی کنید و ما را مطلع سازید... با تشکر. ر. بخش هماهنگی

روز ۲۵ اردیبهشت از مسجد جامع ساری آغاز شد. از ساعت ۹ صبح جمعیت کثیری از مردم، حجت الاسلام طبری امام جمعه ساری، اعضاء و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مسجد جامع ساری اجتماع کردند. سپس یک گلگون رفیق شهید، در حالیکه گارد احترام پادگان ساری آن را با موزیک همراهی میکرد، بر شانه های خلق تشییع شد. مردم در حالیکه پیکر گلگون رفیق حمید را حمل می کردند و شعار می دادند:

- این سند جنایت آمریکاست
- صدام، صدام ننگت باد
- رهبری خمینی اساس وحدت ماست
- این گل پرپر ماست
به گورستان ملامجدالدین رسیدند. در آنجا پیکر گلگون رفیق شهید حمید رضا میرز در میان شعار:

- شهید گلگون کفن خانه
فوق مبارک
طی مراسم با شکرهای به خاک سپرده شد. روی دسته گلی که از طرف سازمان حزب توده ایران در ساری بر مزار رفیق شهید نهاده شد بود، این جمله بچشم می خورد:

«حمید رضا میرز، رفیق شهید توده ای، راحت ادامه دارد.»

سیستم کارمندی باید ملغی شود

به مشکلات کارگران کارخانه شماره ۲ آرمه رسیدگی کنید

در این کارخانه: محیط کار بهداشتی نیست * دستگاهها فرسوده و نامطمئن اند * از درمانگاه خبری نیست

کارخانه خانوادگی شماره ۲ آرمه در کرج قرار دارد. در این کارخانه ۱۰۶ نفر، از جمله ۸۰ نفر زن در دونوبت ۸ ساعته کار می کنند. تولید کارخانه گونی-های نایلونی است. ۴۷٪ سهام کارخانه متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع و بقیه در اختیار بخش خصوصی است. اولین چیزی که در ابتدای ورود به این کارخانه توجه انسان را جلب می کند، سروصدای فوق العاده دستگاهها است. محوطه کارخانه که مساحتی در حدود ۳۰۰-۴۰۰ متر مربع دارد، با مقدار زیادی ماشین به فواصل کم پوشیده شده است. محیط تنگ، کار را برای کارگران مشکل ساخته است. هوای کارخانه نیز بسیار آلوده است. در فضای کارخانه ذرات روغن و پلاستیک، به علت آنکه در تولید مواد پلاستیکی و روغنی به کار می رود، موج می زند. این ذرات شناور در فضا موجب بیماری سل در میان کارگران می شود. ابزار تولید کارخانه، قدیمی و

فرسوده هستند و این مسئله باعث عدم ایمنی آنها شده است. تا کنون چند حادثه پدید آمده، که منجر به قطع انگشتان چند کارگر شده است. کارگاه برای مقابله با این حوادث درمانگاه ندارد. ناگفته نماند که ماشین های کهنه در قسمت کار زنان استفاده می شود و در قسمت مردان، ماشین های جدیدتری به کار می رود.

از دیگر مشکلات کارخانه هوای گرم و سنگین آن است که در فصل تابستان، با حرارتی که در اثر کار ماشین ها تولید می شود، کار را در کارخانه زجر آور می کند.

شکل پرداخت مزد در این کارخانه به طور کارمندی است. این سیستم موجب رقابت بین کارگران و کار شدیدتر و در نتیجه استثمار بیشتر آنها و سود بیشتر برای کارفرما می شود.

امیدواریم که مسئولین امر با آگاهی یافتن از مشکلات کارخانه مذکور، در حل آنها سعی و کوشش لازم را بکنند.

همه کارگران باید زیر پوشش قانون کار قرار گیرند

کارگران موقت هم باید رسمی شوند

در شهرداری تهران (منطقه ۳) رفتگران را پس از ۸۹ روز کار، اخراج و دوباره استخدام می کنند، تا همیشه "موقت" بمانند، "رسمی" نشوند و همیشه محروم از مزایای قانونی بمانند، بیمه نباشند و تامین شغلی نیز نداشته باشند.

کارگران شهرداری، بویژه رفتگران یکسره در تلاشند و در جای خود وظیفه حساسی دارند. مساله این جاست که رفتگرانی در دوره رژیم سابق استخدام رسمی شده اند و به این ترتیب مثلاً بیمه هستند. اما آنها که پس از انقلاب بکار گرفته می شوند "موقت" و بی بهره از مزایای طبیعی کار خود.

کارگران موقت همان اندازه احساس مسئولیت می کنند و کار آنها همانقدر دشوار و جدی است که دیگر رفتگران رسمی. در ضمن شهرداری خود از این جریان آگاه است و قرار دادهای مرتب تعدیه می کند، ولی هر بار، پس از طی یک دوره ۹۰ روزه کار از توشیح می شود و هیچ کس حقی ندارد.

☆ در قانون کار انقلابی جایی برای نقض امنیت شغلی زحمتکشان وجود ندارد.

ما پیش از این بارها به مسئله کارگران موقت برخورد کرده ایم. ما بارها خواست عموم کارگران را دایر بر این که "همه کارگران باید رسمی شوند و زیر چتر حمایت قانون تامین اجتماعی قرار گیرند، منعکس کرده ایم. و اکنون بار دیگر نظر موکد خود را تکرار می کنیم که وجود چنین روشی در شاهن جمهوری اسلامی ایران نیست. کارگران باید رسمی باشند. باید "حق کار"، همانطور که نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید دارد، برای عموم تضمین شود. مبداء چنین حرکتی آن جاست که عدهای کار می کنند، ولی به لحاظ قرارداد موجود، بیم اخراج آنها می رود و حتی در حین کار نیز "بیکارند"، زیرا با وجود رنجی که می برند و تلاشی که همسای دیگر کارگران از خود نشان می دهند، مثل آنها که بیکارند، از مزایای قانونی ثمری و بهره ای ندارند.

باید آنها که "کار" دارند، این حق برای آنها به هر قیمت محفوظ بماند، تا نوبت به بیکاران برسد. این مهم عملی نیست مگر این که مفهوم "کار" به روشنی و خالصی از ابهام در نظر گرفته شود، و نه فقط زحمت کارگر، بلکه همچنین بر - خورداری از طبیعی ترین حقوق شاغلین. این سنت زشتی است که از دوره طاغوت، بمنابهای از عوارض منحوس رژیم غارتگر سرمایه داری، در ایران باب شد: کارگر باش و تمام استعداد و نیروی جسمی و روحی خود را بکار ببر، اما برخورداری از حقوقی را که در این زمینه قانون برای تو مقرر داشته، فقط بعنوان یک لطف و مرحمتی

کارگران بتون سازی شهرداری قزوین:

تا آخرین قطره خون

از وطن انقلابی دفاع می کنیم

"ما می دانیم که این جنگ به تحریک آمریکا صورت گرفته است و تا آخرین قطره خون از وطنمان دفاع می کنیم. پی می افزاید: محرومیت ها، نارسایی ها و کمبودها را تحمل می کنیم و با تمام وجود از این انقلاب پاسداری می کنیم. در همه مراکز کارگری، از کارخانه ها و مجتمع های بزرگ گرفته تا کارگاه های کوچک، این گفتار از طرف طبقه کارگر ایران در عمل به اثبات رسیده است. اما یابین صبر و شکیبایی انقلابی

شهرداری قزوین یک کارگاه بتون سازی دارد. در این کارگاه ۷ نفر به کار مشغولند و اغلب آنها موقت هستند. تولید کارگاه بلوک سیمانی (حدول کنار خیابان) است. در این کارگاه هیچ یک از موادی که در قانون کار آمده است، به اجرا در نمی آید. حتی کارگران مجبورند برای جبران کمبود مالی، جمعه ها نیز کار کنند. یکی از کارگران بنام حسن رشادت زاده که فقط ۱۶ سال سن دارد، درباره مشکلات کارگاه گفت:



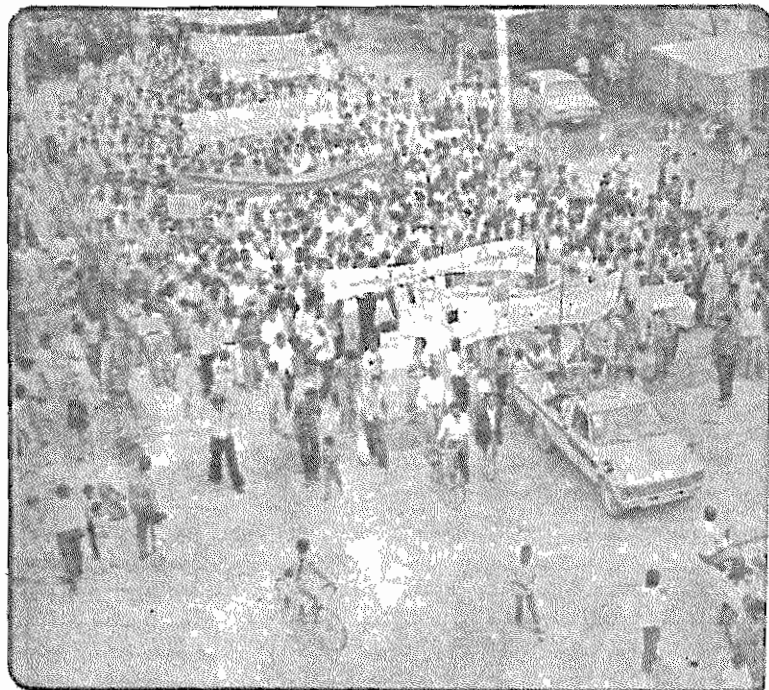
کارگران: این جنگ به تحریک آمریکا صورت گرفته است

پایان ناپذیر است؟ آیا مسئولین کوشش خود را در حل نیازهای رفاهی زحمتکشان می کنند؟ طبقه کارگر ایران امروز شعار اصلی خود را پاسداری، تحکیم، تعمیق و گسترش انقلاب، محرومیت ها و کمبودها را تحمل می کند. ولی مسئولین نیز باید به نیازهای زحمتکشان توجه کنند و با جواب مثبت دادن به خواست هایی که در چارچوب مقدرات کنونی در نظر گرفته شده است، همگام با آنان، برای تثبیت و برگشت ناپذیر کردن انقلاب بکوشند.

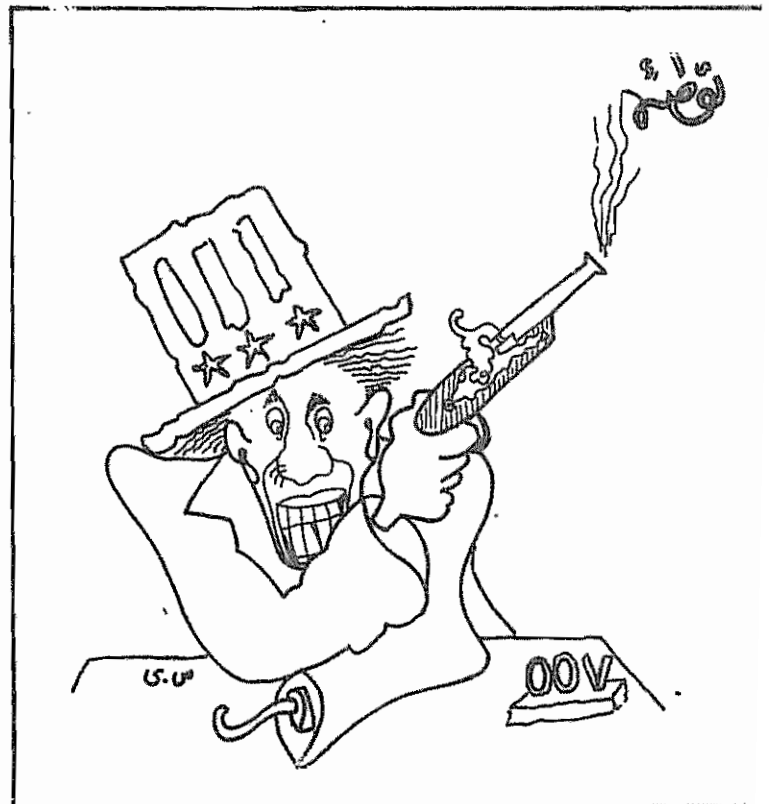
"شرایط کارگاه طاقت فرسا است و هیچگونه وسایل رفاهی و امکانات ایمنی ندارد." ستار طالبی کارگر دیگر کارگاه در این مورد گفت: "ما مسکن نداریم و پرداخت کرایه با این حقوق ناچیز، زندگی ما را بسیار سخت کرده است." با وجود این دشواری ها، کارگران کارگاه فوق از هیچگونه فداکاری در راه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دریغ نمی ورزند. حسن رشادت زاده درباره جنگ تحمیلی می گوید:

کار فراهم کند. این کار لزوماً باید "تفرقه اندازنده"، "انسانی" و فارغ از تحمیل های "موقتی بودن" و بر - خوردار نبودن از تامین اجتماعی و دیگر مزایا باشد. رفتگران موقت شهرداری منطقه ۳ تهران نیز باید رسماً استخدام شوند؛ زیرا تعدید قراردادها گویای نیاز ثابت این واحد به کار این زحمتکشان است. پس کار هست، و نیز نمی توان باور کرد که شهرداری بمنابها واحدی از دستگاه دولتی، بین کارگران بعنوان رسمی و غیررسمی قائل به تبعیض باشد و قصد جدا کردن آنها را بکند، یا چیزی را، از آنچه متعلق به کارگران است، از آنها دریغ دارد. می دانیم که در جمهوری اسلامی ایران چنین نیست و بویژه می دانیم که شهرداری چنین نیستی ندارد. معذاً اگر بدلیل شرایطی در یک برهه زمانی به چنین کاری تن داده شده، باید گذرا باشد و تکرار نشود. تنها در چنین حالتی است که دستاورد - های انقلاب به صاحبان اصلی آن، یعنی زحمتکشان تعلق می گیرد.

تلقی کن؟ کارفرما از سر "دلسوزی!" و "انسان دوستی!" ممکن است در حق تو روا دارد! این است اخلاق سرمایه - داری غارتگر. و آن چه هنوز در روابط کار و سرمایه باقی مانده است، ثمره حکمفرمایی همین ضوابط ضد بشری دوره طاغوت است. باید گفت که در آستانه تدوین قانون مترقی، باید این لکه زشت از صفحه زحمتکشان پاک شود. قان باید بصراحت بر "استخدام رسمی" و "کار تمام با" برخورداری از جمیع حقوق کار" انگشت گذارد. بدیهی است که در بسیاری از واحدها، ممکن است کاری یا تعهدی پس از گذشت مدت زمان دهه بی پایان یابد. آیا این پایان بمعنای پایانی حق کار و تداوم امکان شاغل بودن کارگر است؟ این نیز باید تصریح شود که برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است که برای عموم شهروندان، بویژه زحمتکشانی که جز نیروی کار خود هیچ وسیله تامین معاش و معیشتی در اختیار ندارند،



راهپیمایی عظیم کارگران و زحمتکشان بوشهر بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)



کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

دهقانان زحمتکش صندلی قاسم و روستاهای اطراف باید بدانند:

اختلافات میان دهقانان تنهابسود بزرگ مالک تمام می شود

روستای صندلی قاسم در ۱۵ کیلومتری جنوب رامهرمز قرار گرفته است. در اطراف روستا زمین های زراعی زیادی وجود دارد که به بزرگ مالک معروف رامهرمز "تعلق" داشته است. هیئت هفت نفری، زمین های این بزرگ مالک را صادر کرده، لیکن به علت اختلافاتی که بین روستائیان چندین دهه در همسایگی صندلی قاسم بر سر زمین ها وجود دارد، هنوز واگذار نشده اند. جهاد سازندگی این زمین ها را کشت کرده است.

در روستای صندلی قاسم اکثر اهالی دامدار هستند. و محصولات لبنی خود را همواره به بازار رامهرمز صادر می کنند. علاوه بر دامداری، زنان روستا از نوعی گیاه، که در کنار جوی ها می رویند، چادر درست می کنند. مردم این روستا در سال گذشته صاحب برق شده اند، لیکن از لحاظ آب در مضیقه هستند. در روستای صندلی قاسم در مانگا وجود ندارد و اهالی به هنگام بیماری به شهر می روند. به ویژه تیغوس بسیار رایج است. در این روستا از شرکت تعاونی مصرف خبری نیست و مردم به ناچار وسایل مورد احتیاج را به قیمت گزاف از شهر خریداری می کنند.

شورای دما سه عضو تشکیل شده است و بیشتر کارها به وسیله شورا انجام می گیرد، از جمله تماس با مسئولین شهری، هیئت هفت نفری و فرمانداری. اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان تهیدست امری ضروریست که باید انجام گیرد. در این مورد دهقانان زحمتکش صندلی قاسم و روستاهای اطراف آن باید توجه کنند که اختلاف میان آنان به سود بزرگ مالکان و واسطه ها تمام می شود. آرزوی بزرگ زمین داران بزرگ اینست که قانون به طور کامل اجرا شود و اراضی به صاحبان واقعی آن، یعنی دهقانان زحمتکش واگذار نگردد. بزرگ مالکان می خواهند وضع بلاتکلیفی را حفظ کنند و مانع افزایش تولید شوند. بنابراین - دهقانان تهیدست و زحمتکش - برای نقش بر آب کردن این آرزو و توطئه بزرگ مالکان باید دست به دست داده برادروار با هم کار کنند و اختلافات خود را کنار بگذارند و با اتحاد خود و با افزایش تولید پوزه های غارتگران بزرگ مالک بکوبند. آن ها نباید فراموش کنند که در جبهه ها رزمندگان با متجاوزان صدای می - جنگند و تقویت پشت جبهه ضرورت دارد.

دهقانان عزیز زحمتکش! تا می توانید با استفاده از شیوه تعاونی تولید زمینه اختلافاتتان را از بین ببرید. همه زمین ها و وسایل کشت و کمک های جهاد و هیئت را یک کاسه کنید و زمین ها را به صورت تعاونی کشت کنید و با نیروی بیشتر محصول زیادتری به دست آورید. نهادهای دولتی و تعاونی و نیز شورای ده می توانند و باید به شما برای رفع اختلافات کمک کنند، نه تنها تولید، بلکه برای مصرف نیز با مشارکت خودتان می توانید تعاونی مصرف را در روستا سازمان دهید و وسایل مورد نیاز را بدون واسطه ها و ارزان تر و مطمئن تر در اختیار بگیرید. موفق باشید!

اعضاء شورای روستای «ده پیشه» خطاب به وزیر کشاورزی:

ما اطمینان داریم که دست های پینه بسته ما دهقانان برای شما سندا است، نه حيله و مکر جباران

اعضاء شورای روستای ده پیشه جزء بخش زیدون و از توابع شهرستان بهبهان، در نامه ای خطاب به وزیر کشاورزی، آقای محمد سلامتی، به ۳۰۰ هکتار زمین مرغوب روستا، که توسط شخصی در رژیم گذشته و با اتکا به مامورین طاغوتی غصب شده است، اشاره کرده اند. شورای ده بانها دعای انقلابی تماس گرفته و نامه های به دفتر آیت الله منتظری و مجلس شورای اسلامی نیز فرستاده است. شورای ده در نامه خود به آقای سلامتی از زورگویی های بزرگ مالک در جریان کردن خانه های شان در زمان رژیم منقر پهلوی یاد کرده و از وزیر کشاورزی چنین درخواست کرده است:

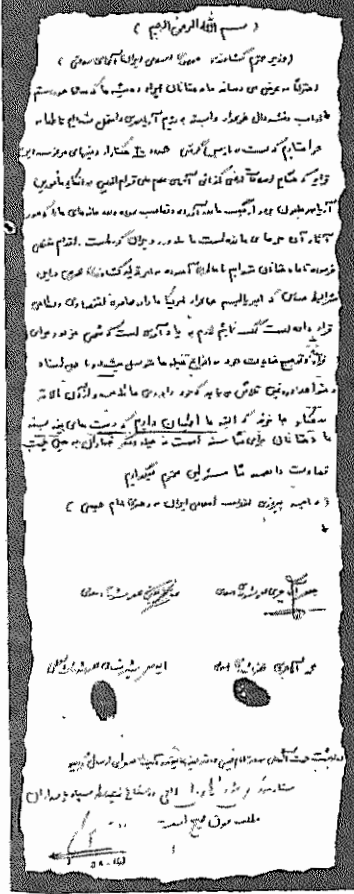
... اقدام مقتضی فرموده تا ما دهقانان بتوانیم با خاطری آسوده به امر تولید کشاورزی به خصوص در این شرایط حساس که امیرالیسم جهان خوار آمریکا ما را در محاصره اقتصادی و نظامی قرار داده است کمک نماییم. لازم به یادآوری است که شخص مزبور برای فرار و توجیه جنایات

خود به انواع حيله ها متوسل می شود و با جعل اسناد شواهد دروغین تلاش می نماید که خود را فردی عاقل مند و از آن بالاتر بدینکار جا بزند که البته ما اطمینان داریم که دست های پینه بسته ما دهقانان برای شما سندا است نه حيله و مکر جباران. به همین جهت قضاوت را به عهده شما مسئولین محترم می - گذاریم.

این نامه به امضاء اعضاء شورای ده پیشه رسیده است و مهرستاد مرکزی شوراهای اسلامی روستاهای بهبهان را نیز در زیر خود دارد.

دست های پینه بسته در انتظار کار بر روی زمین های در مالکیت خود هستند. دست های پینه بسته در انتظار رسیدن به حق (زمین) هستند. صاحبان این دست های پینه بسته و تهیدست و محروم در انتظار اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی هستند.

در ضمن، ذکر این نکته مهم لازم



است که، شورای روستای ده پیشه به درستی رابطه بین تولید بیشتر و نبرد علیه ضد انقلاب و امیرالیسم آمریکا را درک و دهقانان را در این راه بسیج کرده است.



جلوی یکه تازیهای خانها در منطقه «آنگوت» مغان بگیرید!

چندی قبل "نامه مردم" هشدار میبندی بر بازگشت و سازماندهی عمال ضدانقلابی فئودال های منطقه دشت مغان درج کرد، که متاسفانه تاکنون بآبی توجهی مسئولین مواجه شده است. نمونه اخیر اقدامات این اربابان اعمالی است که فئودال های روستای نریمان کنده از توابع بخش آنگوت مغان انجام میدهند و هرروز به ظلم و جور خود نسبت به دهقانان می افزایند. فئودال های این ده به هر حيله ای متوسل می شوند، تا دهقانان زحمتکش را بیازارند. این عده با توطئه های جدید خود توانسته اند یک نفر عضو شورای ده را توسط زاندار مری دستگیر و زندانی کنند. اهالی نریمان کنده طی سکایی که به امضای تمام روستائیان رسیده و رونوشت آن برای آیت الله منتظری و آقای رجائی ارسال شده، خواهان آزادی عضو شورای ده و خلاص شدن از جور فئودال ها هستند.

برای دفاع از میهن خود، زبیر فرمان سپاه پاسداران مسلح شوید و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد به نهادهای انقلابی اعلام کنید

توضیح

درباره مطلب «عوامل مهم در مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر»

اخیرا نامه ای با امضاء آقای محمد حسین خلیج سوادکوهی از قائم شهر به دفتر "نامه مردم" ارسال شده است، که طی آن توضیحاتی درباره مطلب مندرج در "نامه مردم"، شماره ۴۶۹، مورخ ۵۹/۱۲/۲۵، تحت عنوان "عوامل مهم مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر" داده شده است.

آقای سوادکوهی در نامه خود می نویسد: "قریه کلیج قبیل شیرگاه (سواد کوه) آب داشت و دارد و برق هم دارد حداکثر ۱۶۰ خانوار و ۱۶۰۰ نفر جمعیت دارد... در این روستا زمین کم نبود و نیست و بخصوص هر خانواده اولیا به اندازه کافی باغ و حیاط و زمین زراعتی و زمین کشاورزی داشته و دارند و نیز ۹۰٪ خانواده ها علاوه بر آن در کارخانه اشباع و راه آهن شیرگاه مذکور آهن معادن البرز مرکزی زیر آب و سایر ادارات دولتی بعنوان کارگر و کارمند مشغول کارند"

همچنین آقای سوادکوهی توضیح داده است که مقدار زمین های بلاتکلیف روستا فقط ۳ هکتار و مطلق به خانواده ۱۸ نفری ایشان است. هیئت هفت نفری به دهقانان علاقمند به تولید در خصوص این زمین ها گفته است که بطور شرعی و قانونی اقدام خواهد شد، لیکن عده ای زمین را نزد خود تقسیم کرده اند و پرونده این اقدام توسط دادگاه انقلاب قائم شهر جهت رسیدگی به پاسگاه ژاندارمری شیرگاه ارجاع شده و تحت بررسی است.

"نامه مردم" در این خصوص به تحقیقات خود ادامه میدهد. لازم به یادآوری است که "نامه مردم" درباره شخص بویسنده نامه مطلبی ننوشته و نامی هم از وی نبرده است. ما از فعالیت هیئت ۷ نفری و کار بطور متاع زیر نظارت هیئت حمایت کرده، خواستار رفع اختلاف بین دهقانان، که احتمالا دستهایی در صدد نفاق - افکنی بین آنها هستند، شده بودیم، و حالاهم اگر عقیده نظری از جانب مقامات مسئول یادهقانان ده برسد که راهگشا و در جهت رفع مشکلات باشد چاپ خواهیم کرد.

توطئه ضد انقلاب را در روستای «تخت» خنی کنید!

در روستای تخت، به فاصله ۶۵ کیلومتری بندر عباس، مدت است که عوامل ضد انقلاب، متشکل از روحانی - نمایان و تعالیه های رژیم سابق، به کارهای ضد انقلابی در جهت با راحت کردن دهقانان زحمتکش تخت دست می زنند. از آن جمله است:

- راندن دام های بعضی از دامداران روستا به درون مزارع،
- اختلال در تاسیسات آب و برق روستا،
- تبلیغ در روستا در جهت عدم همکاری و تعاون بین دهقانان،
- در این شرایط حساس که امیرالیسم مترصد هرگونه بهانه جهت مسخ انقلاب در نزد توده های محروم و زحمتکش است، مصرانه می خواهیم که به این امر توجه و جلوگیری از اعمال ضد انقلابی آنها گرفته شود.

پیشبردها اهداف انقلاب مبارزه با ضد انقلاب را ایجاد می کند. نباید گذاشت عناصر ضد انقلابی جلوی حرکت چرخ های انقلاب را بگیرند و مردم وزحمتکشان را نسبت به انقلاب و اهداف آن دل سرد کنند.

دهقانان قمی

سخن می گویند:

مشهدی حسین و مشهدی غلام - حسین دونفر از دهقانانی هستند که بروی زمین های مالک بزرگ، نظام، به صورت چهار به یک کار می کنند و در حقیقت جان می کنند و شمره کار آنها هنوز که هنوز است، به جیب زمیندار بزرگ می رود. آنها می گویند:

"جادار که هیئت هفت نفری پیش ما هم بیایند و سراغ ما را بگیرند، تا ما را از زیر این بار طاقت فرسا نجات دهند. ما متاسفانه حتی هیئت هفت نفری را نمی شناسیم.

مشهدی حسین می گوید: "باید این زمین ها میان ما تقسیم شود. آخر مالک که کار نمی کند. این زمین ها را چه کسی به این صورت در آورده و صبح تا شب آنرا آبیاری می کند؟ ما! پس از اینهمه زحمت او می آید و در آخر کار دستش را بکمرش می زند و سه قسمت از محصول ما را غارت می کند. اگر دولت این زمین ها را به ما بدهد، ما حتی بهتر از حالا که می بینید، آنها را کشت کرده و حاصل آنرا تحویل می - دهیم، تا هم محصول کشور زیاد شود و هم ما از زحمت زیاد و غارت نجات یابیم. ما از دولت و هیئت هفت نفری می خواهیم که حتما یک کمی بمانند. برای قم که باید پایگاه حق و عدالت باشد این اصلا خوب نیست که شکل کار و نوع زحمت کشاورزان اینچنین باشد. انقلاب برای ما است، و باید ثمره آن بدست ما برسد."

مشهدی حسین اضافه می کند: "بعضی ها می آیند و می گویند اگر به شما زمین بدهیم، شما نمی توانید زمین را بگردانید. پس حالا کی می - گرداند؟ ارباب که با ماشین می آید و می رود."

به سخن درست دهقانان باید پاسخ شایسته داد، پاسخی شایسته انقلاب. و این پاسخ تنها یکی است: رفع تعویق از بندهای "ج" و "د" و اجرای کامل و قاطع و فوری قانون اصلاحات ارضی.

مستقلان!

روزبه

نامه‌های مردم به نامه مردم

معیار عشق و آیت ایثار توده‌ایست!

واقعیاتی تلخ از زندگی زحمتکشان آلمان غربی

خانم نلی. ف. نامه دریافتی از جانب فرزند خویش را، که در آلمان غربی تحصیل می‌کند، برای ما ارسال داشته است. نامه فوق با بیان واقعیاتی تلخ از زندگی مردم زحمتکش آلمان غربی، سرشت ستگر و ضدانسانی امپریالیسم آلمان غربی را افشاء می‌کند. در نامه از جمله می‌خوانیم:

"... اینجا مردم به وسیله تبلیغات رسانه‌های گروهی شستشوی مغزی می‌شوند... بحران اقتصادی، بیگاری و گرانی پدید می‌آید... دربارۀ "دمکراسی" و "حقوق بشر" بی‌رنگ و رو باید گفت که در آلمان غربی گرایش‌های فاشیستی از همه کشورهای اروپای غربی بیشتر است... زمامدار ایالت بایرن، فرانک یوزف اشتراوس، از جناح راست حزب دمکرات مسیحی است. جالب اینجا است که حتی سوسیال دمکرات‌ها هم می‌گویند فرانک یوزف اشتراوس هیتلر زمان ماست.

همین جناب فرانک یوزف اشتراوس هفته پیش قانونی از تصویب گذراند که پلیس ضداعتشاش از این به بعد به باطوم برقی و گلوله‌های پلاستیکی مجهز بشود.

... مسئله مسکن نیز وضع فوق‌العاده نابسامانی دارد. اخیراً تعداد زیادی ساختمان متروکه به وسیله دانشجویان و کارگرها اشغال شد. پلیس هم "طبق قانون"، بعد از اخطار در و پنجره‌ها را به گلوله بست.

"نامه مردم": ضمن تشکر از فرستنده نامه، باید خاطر نشان ساخت که برآستی همین چند جلوه از اوضاع آلمان غربی - یکی از ستون‌های "جهان آزاد" - بیانگر نظام ناعادلانه و غیرانسانی سرمایه‌داری حاکم بر این کشور است، در حالی که ده‌ها سال است چنین پدیده‌های منفی، به برکت وجود نظام سوسیالیستی، در زندگی مردم آلمان دمکراتیک دیده نمی‌شود.

تقاضای مردم استان چهارمحال بختیاری

احسان ص. یکی از خوانندگان همیشگی نامه مردم، طی نامه‌ای خواستار به چاپ رسیدن "تقاضای مردم چهارمحال بختیاری" شده است وی ابتدا پرسش زیر را مطرح می‌سازد:

"چرا مسئولان اجرایی، به مسائل پیشپا افتاده‌ای از قبیل تعیین استاندار ثابت، ایجاد دادگاه انقلاب جهت رسیدگی به شکایات و مشکلات قضایی مردم چهارمحال بختیاری، دست به اقدام جدی نمی‌زنند؟ در اینجا باید متذکر بشوم که این امر به خودی خود موجب بهره‌برداری عوامل ضدانقلاب در منطقه شده است.

نگارنده نامه، سپس درباره ضرورت برپایی دادگاه انقلاب مستقل در چهارمحال بختیاری، مورد زیر را مثال می‌آورد:

"در جریان محاکمه موسوی، رئیس دادگاه شرع سابق شهرکرد، که متهم به رشوه‌خواری، اختلاس و اخاذی... شده بود، به علت نبودن مرجع مستقل قضایی در استان چهارمحال بختیاری، دادگاه وی در اصفهان تشکیل گردید. حدود ۲۰۰ نفر شاکی برای تقدیم شکایت و شهادت در دادگاه مجبور شدند به اصفهان بروند."

وی در پایان نامه خواستار رسیدگی به کمبودهای فوق شده است.

"نامه مردم": بدین وسیله با منعکس ساختن تقاضای مردم چهارمحال بختیاری، از مقامات صلاحیتدار و مسئول جمهوری اسلامی ایران می‌طلبیم که بخاطر رفاه حال مردم این خطه از میهنمان، به این تقاضاهای برحق رسیدگی فوری کنند.

پیام شادباش "عده‌ای از دانش آموزان هوادار حزب توده ایران در زابل" به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران دریافت شد. کاریکاتورهای افشاگرانه ح-ا-ب، که ضمیمه پیام بود، نیز رسید.

خانم زهره، پاسخ سئوالات خود را، از طریق مطالعه جزوه‌های "پرسش و پاسخ" رفیق کیانوری، می‌توانید بدست آورید.

"کارگر آبادانی"، منظور ما از "انقلاب ایران و عراق" در ستون "نگاهی به حوادث بین‌المللی در هفته گذشته" شماره ۴۸۲، انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی و جنبش انقلابی توده‌های وسیع مردم عراق در راه ایجاد دگرگونی بنیادی در عراق است.

دوست گرامی علی. م. نامه شما درباره برنامه رادیو و تلویزیون رسید. متشکریم.

شماری از نامه‌های رسیده:

نامه مهدی. س. کارمند بانک درباره آوارگان افغانی، نامه‌های منصور. م. اصفهانی و قربانعلی. م. و نامه رفیق حسین درباره شرایط و قوانین حاکم بر کارگاه‌ها رسید. از همه این دوستان سپاسگزاریم.

اشعار

رفیق م. رشاد سروده خود به نام "در راه زندگی" را برای ما فرستاده است. قسمت پایانی آن را می‌خوانید:

من لحظه‌ای زپا ننشینم!
ای رزم تو سترگ!
ای کار تو بزرگ!
چون روز روشنست،
روزی ستاره نیز رام تو باشد،
ای توده تلاش!
خواهم جهان به کام تو باشد.

شعر "بهاران از آن ماست" سروده‌ایست از لطیف کردستانی، که به رزمندگان جبهه نیکار عادلانه علیه دارودسته تجاوزکار صدام تقدیم شده است. پاره‌هایی از آن را می‌خوانید:

ما، آواز خوان بهارانه گل‌هاستیم.
ما، لبریز شوق رستنیم.
پیش رویمان:
- کوه‌ها و دریاها،
- دشت‌ها و جنگل‌ها،
و پشتوانه عشق ما "توده".

احمد. ق. از نویسندگان "دو شعر به نام‌های "رهگذر" و "روزبه" برایمان ارسال داشته است. پاره‌هایی از شعر "روزبه" چنین است:

روزبه،
باید خلق و حزب،
در خون خود طپید.
روزبه،
با خون سرخ خویش
در برگ برگ دفتر تاریخمان نگاشت:
فرزند عاصی ستم‌و درد ورنج خلق!
معیار عشق و آیت ایثار توده‌ایست!

شماری چند از اشعار رسیده:

شعر "گلمشت انقلاب" سروده محمود فلکی، "مرگ بر آمریکا" از ک. ش. سهندار سالی ازاراک، از محمد سروده‌ای بنام "مقاومت" از م. رچندین شعر از جمله "نونهای تازه‌رس" و "فتح"، و "شعر روز" از م. رضا دریافت شد. از این دوستان صمیمانه سپاسگزاریم.

ریاکاری که حتی در آلمان غربی بی سابقه است!



فدرال آلمان، که خوب میدانند چه سودهای هنگفتی میتوان از بابت فروش اسلحه به جیب زد و به سخاوت مندی. دولت "بن" نیز واقفند، همه کوشش خود را برای معافیت از مقررات محدودیت صدور جنگ‌افزار بکار برده‌اند. آنها با مشارکت با انحصارهای تسلیحاتی خارجی، بویژه فرانسوی، تولید و صدور اسلحه را به آنها سپردند و با اینهمه سهمی بزرگ از سود هنگفت آنرا به جیب زدند. اما کدام کنسرن امپریالیستی میل دارد دیگران را نیز در چپاول خود شرکت دهد؟ از اینرو و بعثت دشواری‌های اقتصادی فراوانی که جهان سرمایه‌داری با آن روبروست، هر چه بیشتر بر دولت "بن" فشار وارد می‌آید که برای معاملات اسلحه تسهیلاتی قائل شود. اما این امر نیز با مشکلاتی چند مواجه گشت.

هنگامیکه شاه ملعون در اواسط سال‌های ۷۰ چندین زیردریایی، هر یک به قیمت ۲۰۰ میلیون مارک، به آلمان غربی سفارش داد، هیچکس در محافل امپریالیستی آن کشور فکر آن را هم نمی‌کرد که مردم ایران رژیم او را بزودی به زباله‌دان تاریخ خواهند سپرد. پس از انقلاب شوکه‌مند مردم ایران، "بن" کوشید تا این زیردریایی‌ها را جای دیگر آب کند. اما نقشه فروش دوزیردریایی به رژیم جنایتکار پینوشه بزودی برملا گشت و حتی برخی از محافل دولتی به مخالفت آشکار با آن پرداختند.

اکنون آشکار شده است که عربستان سعودی قصد خرید تانک و خودروهای زرهی را از جمهوری فدرال آلمان دارد. در اینجا خرید ۳۰۰ تا

۶۰۰ تانک سخن می‌رود. برخی حتی از رقم ۳۰۰۰ نام می‌برند. حتی اگر بیکره ۶۰۰ را بپذیریم، با توجه به اینکه قیمت هر تانک بیش از چهار میلیون مارک است، به رقم ۲/۵ میلیارد دلار می‌رسیم. بنابراین، شگفت‌انگیز نیست که سهام کنسرن کوانتوس مافای، که تا بک "لئوپارد" را می‌سازد، در عرض یک هفته، از ۱۲۲۸ به ۱۴۷۰ مارک رسید.

نقش عربستان سعودی و موفقیت آن در خاور نزدیک، یعنی یکی از تشددترین مناطق جهان، "بن" را دچار محظوراتی کرده است. از یک سو کنسرن‌های آلمان غربی میل ندارند این لقمه چرب را به آسانی از دست بدهند، بویژه آنکه عربستان سعودی، با ۲۹ درصد، مهم‌ترین صادرکننده نفت به جمهوری فدرال آلمان است. از سوی دیگر، "بن" نشینان آبروی خود را در خطر می‌بیند. از اینرو، یکباره زمزمه بلند شده است که گویا "عربستان سعودی در منطقه تشنج قرار ندارد!"

نمی‌توان گفت که سال جاری میلادی برای دولت "بن" نیک آغاز شد، زیرا در نخستین روزهای ۱۹۸۱ بود که یکی از اسرار بزرگ دولت آلمان فدرال، یعنی فروش اسلحه به عربستان سعودی فاش گردید. شاید تضاد میان گفتار و کردار امپریالیست‌ها در هیچ جا به اندازه سیاست فروش اسلحه‌ها نمودار نباشد. دولت "بن"، که به خوبی به این واقعیت آگاه است، پس از افشای مسئله نامبرده اکنون باتب و تاب فراوان میکوشد تا با دست‌یازی به نیرنگ‌های حقوقی، رسوایی خود را پنهان دارد.

جمهوری فدرال آلمان ده سال است که مدعی است، برای صدور اسلحه از سه اصل زیر پیروی می‌کند:

۱- جنگ‌افزار و کالاهای تسلیحاتی می‌توانند تنها به کشورهای "ناتو" بدون هیچگونه محدودیتی صادر شوند.

۲- خارج از حیطه "ناتو" تنها با اجازه دولت فدرال میتوان به صدور جنگ‌افزار اقدام کرد. برای صدور دیگر کالاهای تسلیحاتی، اجازه "کمیته کوکوم" لازمست (وظیفه این کمیته مشترک کشورهای "ناتو" و ژاپن تحریم فروش‌های از کالاهای به کشورهای سوسیالیستی است).

۳- به کشورهای واقع در بزمه اصطلاح "مناطق تشنج"، هنگامیکه "بیم برهم خوردن همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌ها برود"، به هیچ روی اجازه صدور جنگ‌افزار و دیگر کالاهای تسلیحاتی داده نخواهد شد.

اصولی که فقط روی کاغذ مانده

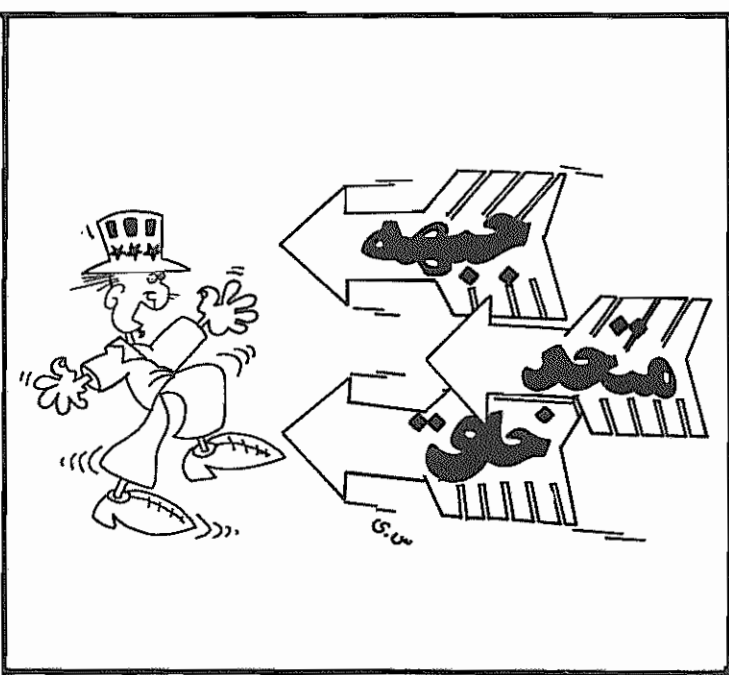
باید گفت که اصول سه‌گانه نامبرده سالهاست که فقط روی کاغذ مانده است و در عمل هر چه بیشتر نقض میگردد. طبق محاسبات "یو. اس. آرمز کنترول اند دیز آرمانت ای جنسی" ("آژانس نظارت بر تسلیحات و خلع سلاح ایالات متحده") که به کمک‌های مالی دولت آمریکا وابسته است، بوسی گمان، همه صادرات تسلیحاتی را منتشر نمی‌سازد. جمهوری فدرال آلمان در سال‌های ۷۷-۱۹۶۸ با ۱۶/۸ درصد، بالاترین نرخ رشد صدور تسلیحات را در میان کشورهای امپریالیستی دارا بوده است.

فون وورتنس، یکی از وزیران کابینه "بن"، در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۳۵۹ (۱۸ نوامبر ۱۹۸۱) اعتراف کرد که، تنها در سال‌های ۷۹-۱۹۷۵، دولت فدرال صدور کالاهای تسلیحاتی را به ارزش ۵/۹۳ میلیارد مارک مجاز شمرد ۴۰ درصد این کالاهای به کشورهای غیر "ناتو" صادر شده بود.

«کک»های کنسرن‌های تسلیحاتی و دولت نماینده آنها

کنسرن‌های تسلیحاتی جمهوری

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



استقلال ملی... بقیه از صفحه ۳

خلاصه کنیم: استقلال ملی، یعنی استقلال همه جانبه کشور ما در تمام عرصه‌های زندگی، مهم‌ترین هدف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. استقلال سیاسی، به عنوان بزرگ‌ترین دست‌آورد انقلاب ۲۲ بهمن، با واژگون شدن حکومت طاغوت و برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به دست آمده است. از استقلال سیاسی باید به‌منایه اهم نیرومندی برای کسب استقلال در همه دیگر عرصه‌ها (که امری است ممکن و لازم) از طریق برقراری مناسبات با دیگر کشورها، بر مبنای احترام متقابل به تمامیت ارضی و حق حاکمیت، برابری کامل حقوق و سود متقابلاً عادلانه، کر جهت رشد و پیشرفت و تکامل جمهوری اسلامی ایران، استفاده کرد.

بمخوانندگان این مقاله توصیه می‌کنیم که برای احاطه بیشتر به مقوله "استقلال"، به مقاله‌هایی که در توضیح همین مقوله، در شماره‌های ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۲۴ "نامه مردم" چاپ شده‌اند، مراجعه کنند.



پنجمین زندانی ایرلندی در آستانه مرگ

بگفته یکی از سخنگویان جنبش دفاع از اقلیت کاتولیک ایرلند شمالی، پنجمین زندانی «لانگ کش» بر اثر اعتصاب غذا در آستانه مرگ قرار گرفته است. تاکنون چهار زندانی دیگر در این زندان جان سپرده اند. خواست همه آنها آن بوده است، که دولت بریتانیا آنها را زندانی سیاسی بشناسد. «لندن» از تأمین این خواست لاجوجانه خودداری می‌ورزد و با این روش خود انزجار عمیق محافل کاتولیک را برانگیخته است.

نیروهای بریتانیایی به سرکوب جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی «لانگ کش» ادامه می‌دهند. در ظرف یکماه اخیر حداقل ۱۶ تن در ایرلند شمالی به قتل رسیده و شماری بیشتر زخمی شده اند.

تظاهرات بزرگ ضد نژادپرستی در «واشینگتن»

در تظاهرات بزرگی که در «واشینگتن» برگزار شد، مردم به خشونت‌های نژادی در آمریکا بطور اعم و قتل نوجوانان و کودکان سیاهپوست در آتلانتا (جورجیا) بطور اخص اعتراض کردند. تاکنون ۲۸ سیاهپوست در آتلانتا قربانی نژادپرستی شده اند. در اعلامیه‌ای که در میان تظاهرکنندگان پخش گردید، خاطر نشان شده است که نژادپرستان، که آزادانه در خیابانها قدم می‌زنند، آنگونه که رسانه‌های گروهی ریاکارانه مدعی هستند، «دیوانه‌هایی چند» نیستند، بلکه «این خود محافل حاکم آمریکا هستند که آنها را الهام می‌بخشند و به آنها سلاح می‌دهند».

چهارمین کنگره حزب انقلابی خلق کامپوچیا در پنومپن گشایش یافت

روز ۵ خرداد ۶۰، چهارمین کنگره حزب انقلابی خلق کامپوچیا در پنومپن گشایش یافت. کنگره به بررسی گزارش کمیته مرکزی، برنامه توسعه اقتصادی و پیشنهاد آئین‌نامه جدید حزب پرداخت. در گزارش کمیته مرکزی به کنگره چهارم حزب انقلابی خلق کامپوچیا به نقش کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی و ویتنام، در کمک به بازسازی کامپوچیا اشاره و از این کشورها قدردانی می‌شود. کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی به کنگره کمونیست‌های کامپوچییایی فرستاد، که متن آن در همین شماره «نامه مردم» چاپ گردیده است.

سادات به خدمتگزاری به آمریکا اعتراف میکنند

سادات، رئیس جمهوری مصر، اعتراف کرده است که به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد داده است تا برای استقرار «سپاه واکنش سریع» از خاک مصر و تسهیلات نظامی آن استفاده جوید. «واشینگتن» این سپاه را برای دخالت نظامی در مناطق کوناگون جهان، بویژه در خلیج فارس، پدید آورده است. سادات این اعتراف را در جریان دیدار خود از خرطوم، پایتخت سودان، بعمل آورد.

نگرانی عمیق محافل اجتماعی و مردم آلمان غربی از نقشه استقرار موشکهای اتمی

«بوندمتاگ» (پارلمان «بن») به بررسی استقرار موشکهای هسته‌ای جدید آمریکا در آلمان فدرال و دیگر کشورهای اروپای غربی پرداخت. این مسئله نگرانی عمیقی را در این کشور برانگیخته است. بیش از ۸۰۰ هزار شهروند آلمان غربی از دولت خواسته‌اند که از استقرار این موشکها جلوگیری کند. علاوه بر این، بسیاری از رهبران احزاب دولتی «سوسیال‌دمکراتها» و «دمکراتهای» آزاده ناخشنودی خود را از تصمیم دولت فدرال ابراز داشته‌اند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

هنوز بر امور اداری ما نظام بوروکراسی حاکم است

* از پیروزی انقلاب تاکنون برنامه‌ریزی وجود نداشته است *
* مسیر اقتصادی کشور باید روشن شود *

روشن شدن مسیر اقتصادی آینده کشور شد. سپس حجت‌الاسلام مسادیسخواه در موافقت با این لایحه سخن گفت. وی تأکید کرد که: «تا وقتی وزارتخانه‌های طاغوتی هست و تغییر بنیادی در سیستم طاغوتی داده نشده است، یک بودجه اسلامی تصویب نخواهد شد.» وی ضمن تأیید اشکالات این بودجه، از مخالفین خواست که مشکلات موجود ناشی از جنگ، توطئه ضدانقلاب، محاصره اقتصادی و... را نیز در نظر بگیرند. وی در پایان ابراز امیدواری کرد که مسئولین کشور در دگرگون کردن نظام طاغوتی و جایگزینی سیستمی مناسب با نظام جمهوری اسلامی موفق شوند. جلسه بعدی مجلس، ساعت ۱۵ امروز تشکیل می‌شود.

فعلی را انفعالی خواند و خواستار فعال شدن آن گردید. و همچنین متذکر شد که این بودجه خواست استقلال را تأمین نمی‌کند. غفوری بودجه مطرح شده را «بودجه مصرفی» خواند و متذکر شد که «این بودجه باید بودجه تولیدی باشد.» وی از اینکه در بودجه فعلی موارد سری غیرضروری هست، انتقاد و تأکید کرد که نباید هیچ چیز از مردم پنهان باشد. ناطق از دولت خواست که برنامه‌ریزی جدی بعمل آورد. وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «انتظار ما از نظام جمهوری اسلامی اینست که از معادن که جزء ثروتهای کشور و متعلق به نسلهای آینده است، بعنوان درآمدها فعلی استفاده نکنند.» ناطق تأکید کرد که برای مبارزه با تورم و گرانی باید ریشه‌های آن شناخته شود. علی گلزاده غفوری در پایان خواستار

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که بریاست حجت‌الاسلام مسادیسخواه تشکیل شد، مسائل مختلف مملکتی و لایحه بودجه ۴ ماهه اول سال ۶۰ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. تنها ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، علی قائمی امیری، نماینده بابل - بندپی، درباره مسائل مختلف کشور سخن گفت. وی ضمن تأکید بر توطئه‌های «دشمنان داخلی و خارجی»، به بمباران مناطق مسکونی توسط دشمنان خارجی و نابود کردن این مناطق عمومی مردم توسط دشمنان داخلی اشاره کرد. وی همچنین به عیب‌جویی اشاره کرد که در بین هزاران نقطه قوت انقلاب فقط نقطه‌های ضعف و اشتباه را می‌بینند. ناطق در بخش دیگری از سخنانش، ضمن اشاره به بیداری و هشیاری مجلس، از شیوه کار آن انتقاد کرد و گفت: «مجلس» گاهی برای تغییر یک کلمه نه‌چندان مهم، یک ربع وقت گذاری می‌کند. موافق و مخالف را به بحث می‌کشاند. طرحها و لوایح یک فوریتی آن با پیشنهادهای وسواسی ما، ترمز مجلس است و موجب اتلاف وقت».

وی همچنین در مورد اداره‌ها گفت: «هنوز در بسیاری از امور اداری ما نظام بوروکراسی غلیظ حاکم است.» پس از پایان سخنان قائمی، رئیس مجلس تذکرات چندتن از نمایندگان را به اطلاع مجلس رساند. وی از جمله تذکره ژانری، نماینده بندرعباس، را مطرح کرد که در آن در مورد گسترش تروریسم در حوزه انتخاباتی اش هشدار داده و از وزارت کشور خواستار اتخاذ برنامه فوق‌العاده برای سرکوب تروریسم شده بود. آنسگاه مجلس وارد دستور شد و پیشنهادهای نمایندگان درباره لایحه «اجازه انجام معاملات واحدهای مسکونی» مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی چند پیشنهاد، طرحی از جانب ۱۵ نفر از نمایندگان مبنی بر مسکوت گذاردن این لایحه، تا پایان بررسی لایحه مربوط به بودجه، پیشنهاد شد. حجت‌الاسلام ناطق نوری در دفاع از این پیشنهاد متذکر شد که لایحه اساسی مربوط به مسکن، که مردم در انتظار آن هستند، این نیست.

پس از تصویب این پیشنهاد، لایحه «اجازه انجام هزینه‌های کشور در چهارماه اول سال ۶۰» (چهاردهم بودجه) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ابتدا مخبر «کمیسیون برنامه و بودجه» در توضیح این لایحه سخن گفت. وی از جمله متذکر شد که از پیروزی انقلاب تاکنون برنامه‌ریزی وجود نداشته است. وی آنگاه بر لزوم برنامه‌ریزی دقیق و کامل تأکید کرد. مخبر کمیسیون سپس ضمن ارائه آمار و ارقام مربوط به هزینه‌ها و درآمدها در سال گذشته و امسال، توضیح داد که این آمار نشان‌دهنده کاهش درآمد ناشی از اخذ مالیات است. وی خواستار دگرگونی سیستم مالیاتی کشور و اخذ بیشتر مالیات شد. پس از آن علی گلزاده غفوری در مخالفت با این لایحه سخن گفت. وی بودجه

نامه ۱۳۰ نماینده مجلس به رهبر لیبی:

هرگونه تجاوز علیه لیبی، تجاوز علیه انقلاب اسلامی ایران است

ایران نقطه امید برای جهان اسلام و نهضت‌های آزادیبخش به‌شمار می‌رود و بدین‌روی طبیعی است که خشم استکبار جهانی و مزدورانش را برانگیزاند. در قسمت دیگری از این نامه، با تأکید بر اینکه «هرگونه تهدید و تجاوز علیه انقلاب لیبی بمثابة اعلام حرب علیه جهان اسلام و انقلاب اسلامی ایران است»، گفته میشود: «ما بر مبنای تکلیف شرعی اسلامی خود را در کنار ملت شما احساس می‌کنیم.»

۱۳۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طی نامه‌ای خطاب به معمر قذافی، رهبر لیبی، حمایت خود را از این کشور در مقابل تجاوزات امپریالیسم آمریکا و مزدورانش در منطقه اعلام کردند. در این نامه از جمله آمده است: «تهدیدات امپریالیسم آمریکا و مزدوران منطقه‌ای اش خصوصاً سادات خائن و نفیری مزدور، علیه امت انقلابی لیبی را از خیر گزارهای امپریالیستی دریافت داشتیم. حرکت انقلابی لیبی و

طی اجتماعی در برابر مجلس شورای اسلامی:

گروهی از مردم بوئین‌زهرات توطئه انحلال کمیته انقلاب منطقه خود را محکوم کردند

داشتن یلاکارهایی، هرگونه توطئه در جهت انحلال این کمیته را محکوم کردند و خواستار رسیدگی به شکایات مردم بوئین‌زهرات علیه یکی از «روحانی‌نمایان فاسد» این شهر شدند.

گروهی از مردم بوئین‌زهرات، صبح دیروز، طی اجتماعی در برابر مجلس شورای اسلامی، خواستار ابقای کمیته انقلاب اسلامی قزوین به سرپرستی سید حسین موسوی شدند. این گروه با در دست

دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امام خمینی

نمایندگان مجلس شورای اسلامی امروز ساعت ۹ پ در محل حسینیه جماران، با امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار

استعفای نخست‌وزیر و چندتن از نمایندگان که به مقامات اجرائی برگزیده شده‌اند، از نمایندگی مجلس

که از سوی امام خمینی شده بود، ذکر کرد. همچنین محمدعلی رجائی، دکتر زهنر و محمدعلی نژاد ساروخانی، که به مقامات اجرائی برگزیده شده‌اند، دیروز طی نامه‌هایی استعفای خود را از نمایندگی مجلس اعلام کردند.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز و نماینده این شهر در مجلس شورای اسلامی، طی نامه‌ای خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی از سمت نمایندگی استعفا کرد. وی در این نامه، علت استعفای خود را، ضرورت وجود خود در تبریز و تأکیدی

نامه مردم از کان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان
NAMEH MARDOM
No. 522
27 May 1981
Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱
۱۴ پستی تهران

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم